

بسم الله الرحمن الرحيم

آیا واقعاً بغدادی کشته شده؟

(ترجمه)

آنچه مهم است، اینست که از ابتدای انقلاب بیشتر از یک میلیون انسان در سوریه از بین رفته است و قاتل هم معروف است و ابزار جنایت نیز بزرگ‌تر از اینست که رسانه‌ها بتوانند از آن چشم‌پوشی کنند... این بشار اسد جنایت‌کار است که به طور مداوم مناطق تحت تصرفش را به خاک یکسان می‌کند و طیاره‌ها/جنگنده‌های او و جنایت‌کار روسیه، سوریه را زیر بمب گرفته و مردم‌اش را به قتل می‌رساند. از این جهت کنفرانس‌ها و اجتماعاتی را با کسانی که ادعای دوستی با مردم بی‌چاره سوریه دارند، برگزار می‌کند.

شاید خواننده سوال نماید که "چرا از جنایت‌های نظام بشار و روسیه شروع نمودید؛ در حالی که موضوع بحث کشته شدن بغدادی است؟" آری، باید پرسان کند، اما جواب آن اینست که بسیاری وقت‌ها رسانه‌ها قضایای خورد و کوچک را تحت الشعاع قرار می‌دهند تا قضیه‌های حساس و جنجال‌برانگیز به باد فراموشی سپرده شود. از این جهت ما نباید دنباله‌روان تبلیغات رسانه‌ها باشیم، بلکه همیشه بالای قضایای مهم و سرنوشت‌ساز تمرکز نماییم و با تحقیق و پژوهش آن‌ها را تکمیل نموده و خطوط نجات و رستگاری را ترسیم کنیم. حالا که این مسئله تحت الشعاع قرار گرفته است، ما باید حقایق زیر را مورد توجه قرار دهیم:

اول) این‌که این بار نخست نیست که خبر قتل بغدادی اعلان می‌گردد.

دوم) این اولین بار نیست که ائتلاف بین‌المللی اهدافی را مورد هدف قرار می‌دهند که ادعا دارند سازمان‌هایی را مورد هدف قرار داده‌اند که با آن‌ها می‌جنگند؛ سپس اعای‌شان باطل اعلان می‌گردد؛ چنانچه طیاره‌ها/جنگنده‌های ائتلاف مسجدی را در یکی از قریه‌های حلب غربی به نام "الجنيه" بمباران نمود و ادعا نمودند که آن‌ها اجتماع حرکت القاعده را بمباران کردند؛ اما واضح گردید که آن‌ها جماعت دعوت و تبلیغ را مورد حمله قرار داده بودند.

ما باید سوالاتی را طرح کنیم که بتواند ما را به پیام‌های سیاسی این حادثه آشنا سازد و از جمله این سوالات: از این خبر چه کسی استفاده می‌کند؟ بعد از شنیدن این خبر مردم شام چه فکر می‌کنند؟ حوادثی خطرناکی را که می‌خواهند کتمان کنند و ادامه دهند، چیست؟ دیدگاهی که بعد از این خبر در مورد منطقه ادلب ایجاد می‌گردد چیست؟ این خبر به توافقنامه سوچی چه ربطی دارد؟ این خبر با تلاش‌های پی‌درپی برای از بین بردن مناطق بیشتر به نفع نظام سوریه چه ارتباطی دارد؟...

این سوالات و حقایق ما را وادار می‌کنند تا حوادث جدید سوریه را تحت شعاع قرار دهیم. سپس متوجه می‌گردیم، آنچه که در شرق فرات جریان دارد، مسئله بزرگی است که می‌خواهند پنهان نگهدارند. عملیات "بهار صلح" که اردوغان و تعدادی از گروه‌های سوریه راه‌اندازی کردند، نتیجه فاجعه‌باری را نسبت به انقلاب در پی خواهد داشت. مناطق وسیعی در شرق فرات به دست حکومت جنایت‌کار سوریه سقوط نموده است و این جنایت تازه‌ای است به حق انقلاب سوریه و مردم آن که در لیست جنایت‌های نظام ترکیه ثبت می‌گردد، بلکه جنایتی است که او را از چشم پیروان و هوا دارانش می‌اندازد.

انتشار خبر کشته شدن بغدادی بخاطری بود که تا به عنوان خبر اول و مهم در صدر اخبار رسانه‌ها قرار بگیرد؛ در حالی که نظام جنایت کار بشار و روسیه تلاش دارند تا مناطقی جدیدی را در "الکبینه"، یکی از قریه‌های لاذقیه به دست گیرند. این عمل بعد از توافقنامه دوجانبه بین اردوغان و پوتین صورت گرفت و هردو تأکید دارند که توافقنامه سوچی به گونه طبیعی ادامه دارد. طبیعی بودن آن نزد نظام ترکیه همین است که هر روز مردم سوریه به قتل می‌رسند و زیر بمب‌ها می‌شوند؟! یا این که مناطق بزرگی را در شرق فرات به نظام تسلیم کند!؟

بعد از عملیات موسوم به شاخه زیتون که جنگجویان قریه‌های شمالی حلب نیز حضور داشتند، اردوغان وعده آزادسازی شهرهای "تل رفعت و اطراف آن را به آن‌ها داده بود و بعد از عملیات سپر فرات هم‌چنین وعده نموده بود که "منبیج" را آزاد کند؛ اما هیچ یک از این وعده‌ها محقق نشد و حالا عملیات موسوم به بهار صلح راه‌اندازی گردیده است تا مناطق بیشتری را به نظام واگذار نمایند. آیا بعد از این نیز این گروه‌ها وابسته به نظام ترکیه باقی می‌مانند؟! یا واقعیتی را که ما همیشه به آن‌ها گوش زد می‌کردیم، درک می‌کنند؟

برگردیم به خبر کشته شدن بغدادی؛ آیا مکانی که ادعا می‌شود بغدادی در آن کشته شده رابطه‌ای با مرحله آینده بخاطر هجوم بر حلب به عنوان آخرین پایگاه انقلاب دارد که سازمان ملل-شریک جنایات عصر با جنایت کار عصر بشار اسد- توجیه را بخاطر دوام سکوت و خاموشی‌اش از جنایت‌های گذشته و آینده اسد پیدا کند و شاید هم بعد از این خبر به گونه رسمی حمایت‌شان را از اسد جنایت کار اعلان نماید؛ مخصوصاً بعد از این که ترکیه اعلان نمود که بخاطر بزرگ‌شدن موضوع به گونه استخباراتی با آن‌ها فعالیت می‌کند.

هر صاحب بصیرتی می‌داند که ما مردم شام به صورت خاص و همه مسلمانان به صورت عموم قضیه ما به گونه‌ایست که همیشه زیر استعمار دشمنان خود قرار داریم، طیاره‌ها/جنگنده‌های‌شان در سرزمین‌های مان می‌چرخند و هرکسی را که بخواهد از بین برده و هیچ کسی هم نیست از آن‌ها بپرسد. آن‌ها عمل‌شان را انجام می‌دهند، سپس برای ما روایت آن را می‌گویند و از ما می‌خواهند که آن‌ها را تصدیق نماییم و سپس بر اساس همان روایت ما را محاکمه می‌کنند. این کار به این خاطر است که مسلمانان دولتی ندارند تا بر اساس شریعت الله سبحانه و تعالی امورشان را سرپرستی نماید، از آنان حمایت نموده و از شر جنایت کاران آن‌ها را حفظ نماید و جواب دشمنان مان را بدهد.

مردم شام، برخی‌ها کشته، عده مهاجر و تعدادی هم آواره شدند و منتظر نجات از زیر یوغ استعمارگران و مزدوران‌شان هستند. آن‌ها در این راه همه چیز خود را فدا کردند و این همه جنایات و فریب در ظرف چند سال گذشته بر آنان وارد شده است. بخاطری که مولود امت را قبل از تولد آن از بین ببرند. اما کور خوانده‌اند، این امت در اکثریت کشورها دست به انتفاضه زده و خواهان از بین رفتن مزدورانی که غرب برای غارت ثروت مسلمانان و جلوگیری از نهضت گمارده‌اند، شدند.

در اخیر باید گفت که جنگ میان مسلمانان و دشمنان‌شان یک امر حتمی است و هم‌چنین نتیجه آن نیز حتمی است و عاقبت از متقیان است. اما این عاقبت می‌طلبد تا ما به اندازه مسئولیت خود تلاش نماییم و با قوت به دین خود چنگ بزنیم. نصرتی را که الله سبحانه و تعالی برای بنده‌گان خود وعده نموده است، ناامید نباشیم؛ زیرا ما در نبود ریسمان الله سبحانه و تعالی هلاک می‌گردیم و اگر به کشتی شریعت او سبحانه و تعالی سوار نباشیم، غرق می‌گردیم. هیچ راه نجاتی وجود ندارد؛ مگر

این که با انسان‌هایی که بخاطر نصرت دین فعالیت می‌کنند، فعالیت نماییم. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ﴾ ترجمه: صبر کن زیرا عاقبت از آن متقیان هست.

نویسنده: منیر ناصر

عضو دفتر مطبوعاتی حزب التحریر ولایه سوریه

2 محرم 1441 ه.ق

برابر با 30 اکتوبر 2019 م

مترجم: رامین بارز